

تجربیات معنوی: صحت یا بطلان انتشار آن

زهر ا طهر انیان

کشف و شهود یا تجربه‌های معنوی از جمله خواب، مکاشفه یا تجربه‌های نزدیک به مرگ در افرادی که برهه‌ای در گما فرو رفته‌اند، از راز آمیزترین جلوه‌های حیات معنوی و دینی بشر است. بازشناسی ماهیت و سرشت این تجربه‌ها و سنجه‌های تشخیص سره از ناسره در میان انبوه دعاوی موجود در زمان معاصر باعث دل‌مشغولی بسیاری از اندیشه‌وران و خردورزان شده است. در این نوشتار برآنیم تا به اختصار ماحصل تکاپوی مطالعاتی بعضی از محققان را تقدیم خوانندگان نماییم.

مقدمه

از منظر درون دینی، «کشف» در لغت یعنی رفع غطاء و پوشش از شیء (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۱۱۱) در جای دیگر آمده است کشف و شهود به معنی رفع حجاب است و عرفا مکاشفه را رفت و آمد بین دو باطن (باطن کاشف و باطن مکشوف) می‌دانند و مراد در باب سیر الی الله، رسیدن به ماوراء حجاب از مشاهد الهیه است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۳۵۱). نیز گفته شده: کشف و شهود رفع حجاب و مشاهده‌ی حقایق بدون واسطه‌ی مفاهیم و صورت‌های ذهنی است. از کشف و شهود معنوی در گزاره‌های اندیشمندان غربی به تجربه‌ی روحانی یا معنوی یاد می‌شود که ویلیام جیمز (۱۹۱۰) در کتاب «گوناگونی تجربه‌های دینی» به این دست مطالب اشاره دارد. وی می‌گوید: ویژگی تجربه‌های معنوی دینی این است که بیان‌ناپذیرند، زود گذرند، انفعالی و اعطایی است و از عقل گریزان هستند (شاکرین، ۱۳۸۷، ص ۸۱). البته بعضی دیگر، حیات پس از مرگ و تجربه‌های نزدیک به مرگ را هم در دایره‌ی تجربیات معنوی می‌افزایند و نظریه‌های فراشخصیتی در باب این تجارب بر آنند که اثبات کنند این دریافت‌ها نه تنها ناشی از توهمات و اختلالات روانی نیست، بلکه برگرفته از ساحت روحانی و فراشخصیتی انسان‌هاست (اعتمادی نیا، ۱۳۹۱، ص ۸۰).

در دهه‌های اخیر شاهد شکل‌گیری و افزایش جنبش‌های معنوی جدید هستیم و تأثیرپذیری افراد و گروه‌های مختلف از این فرآیند نیز در حال فزونی است، به طوری که با نوعی بحران معنا و تجربیات از این دست در مکاتب و عرفان‌های نوپدید مواجهیم که به دنبال آن، بعضاً تخریب ارزش‌ها و باورها و افکار رخ می‌دهد؛ زیرا بشر در جهان حاضر به نیاز ذاتی خود در بُعد معنوی پی برده است، بنابراین به دامن این افکار پناه می‌برد. البته این احساس نیاز معنوی، هم فرصت است و هم تهدید. فرصت است جهت بازسازی هویت معنوی و دینی، تهدید است زیرا فراوانی معنویت‌ها و تجربه‌های عرفانی تلفیقی و ترکیبی و بعضاً ساختگی، جوامع را به انحطاط معنویت می‌رساند (فرهمند، ۱۳۹۱، ص ۲۰-۳۲).

روش آزمون صدق کشف و شهود، تجربه‌های معنوی و مکاشفات با توجه به وجود مدعیانی در تمام ادیان و مکاتب و عرفان‌های جدید ضروری است. زیرا تجربه‌های عرفانی دارای سبقه‌ای در عرفان شیعی، تصوف سنی، مسیحیت، یهودیت و عرفان‌های نو و... می‌باشد.

حال سؤال این است که: کشف و شهود علم حضوری است؛ پس آیا می‌توان گفت خطاناپذیر

است؟

با توجه به تقسیم‌بندی درون دینی کشف و شهود از نظر اعتبار، تقسیم می‌شود به: ۱. کشف و شهود انبیاء علیهم‌السلام ۲. کشف و شهود ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام، ۳. کشف و شهود عرفا و پیروان آنان.

باید گفت کشف انبیاء و ائمه علیهم‌السلام هم برای خود آن‌ها و هم برای مردم حجت است، زیرا آنان معصوم هستند و دخالت ابهامات شیطانی و جن و وهم و خیال در آنان راه ندارد؛ اما کشف و شهود و تجربیات عرفانی غیر معصوم که در مرتبه‌ی عرفا و پیروان آنان و خصوصاً افراد عادی به تفکیک رتبه دیده می‌شود، با این که به نحو علم حضوری است احتمال خطا در آن راه دارد؛ زیرا در عوالم کشف و شهود یافته‌ها فقط از طریق شرعی و راه درست حاصل نمی‌گردد، بلکه گاهی با ریاضت‌های غیرشرعی انجام می‌شود و افراد، دارای تجربه‌ی شهود یا حالات شبه عرفانی می‌گردند و گاه با ریاضت‌هایی که می‌بینند توانایی تصرف در طبیعت را پیدا می‌کنند: آیات قرآن در کلام وحی این گونه شهود را زیر سؤال می‌برد (انعام/۱۲۱؛ حج/۵۲-۵۳؛ مجادله/۱۰) و هیچ گاه توصیه‌ای برای ترویج این حالات در آموزه‌های وحیانی نداریم و روش انبیاء و اولیای الهی نیز چنین بوده است؛ چرا که اگر جلوی انتشار و توزیع این دست مطالب گرفته نشود، این تجربیات منجر به بروز و ظهور عرفان‌های منهای ضابطه و قانون و شریعت گریز می‌شود.

متکلمین و فلاسفه در شرح منظومه و اسفار تصریح می‌کنند که شهودهای جزئی (در عالم طبیعت یا عالم مثال) دارای محدودیت‌هایی هستند و در معرض تغییر و تبدیل می‌باشند. از آن جا که انسان علاوه بر قوای ظاهری و حواس پنج‌گانه، دارای قوای باطنی پنج‌گانه نیز هست: (۱. حس مشترک ۲. قوه واهمه ۳. قوه متخیله ۴. قوه متصرفه ۵. قوه عاقله)

دریافت‌های قوای باطنی متخیله و متصرفه وقتی از عالم مثال به عالم طبیعت آید و از علم حضوری به علم حصولی تبدیل شود و فرد به بیان تجربیات معنوی و شهودی خود پردازد، امکان اشتباه و خطا در آن وجود دارد؛ زیرا تسویلات انسانی و ابلیس در عالم ماده در کمین است و چه بسا تجربه‌گر در تشخیص حق (نفحات رحمانی) و باطل (اغواهای شیطانی) و آن چه مشاهده کرده، گرفتار شک و تردید گردد و یا حتی ممکن است متوجه اشتباهات در وصف شهود خود نگردد (جوادی آملی، تبیین براهین اثبات خدا، ص ۲۶۲) و شهود را به لفظ و تفسیر درآورد و ناخواسته خطاهایی در وصف مکاشفات عرفانی پدید آید. پس بنا بر توصیه‌ی علما باید مراقب تفسیرهای ذهنی مقارن شهود و مکاشفه بود (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷۷) و دانست این یافته‌ها در عالم مکاشفه یک تجربه‌ی شخصی است و به فرض صحت، نیاز به بیان ندارد.

آیت الله جوادی آملی تأکید دارند این تجربیات (رؤیاهای رحمانی و...) دارای ناسازگاری‌ها و وقایع متزلزل و مضطربند که تنها کاربرد آن برای روانکاوان و تئوری‌پردازان حس‌گر است؛ چرا که شیطان حتی می‌تواند برای فردی که برگزیدگان الهی را ندیده، صورتی به مقتضای نفسانیت او ظاهر کند و به دروغ جلوه‌ی پیامبران و اوصیاء و... را ارائه دهد. پس تجربه‌های شخصی افراد که از شهود عملی محرومند در هیچ فرضی ارزش علمی ندارد و نمی‌تواند دلیل بر امری باشد (همان، ص ۲۶۴).

البته در مورد مراتب عالی عرفان عملی و کشف و شهود در سبک سیره‌ی بزرگان دیده شده که آنان اهمیت ندادن به کرامت را از ویژگی‌های عارف بیان می‌کنند، زیرا معتقدند مقصود از عبودیت، رسیدن به یافته‌های شهود شده و یا کرامت

نیست، بلکه او طالب حق است و وصال معشوق مهم است و اکابر از عرفا این امور را جزء «رعونات نفس» و اغراض نفسانی می‌شمارند و به آن مبادرت نمی‌ورزند مگر به ضرورت.

حتی این بزرگان کرامت را انکار می‌کنند و از شیوع آن اکراه دارند.

عارفان که جام حق نوشیده‌اند رازها دانسته و پوشیده‌اند

هر که را اسرار کار آموختند مهر کردند و دهانتش دوختند (مولوی)

عرفا مراقبند که این کرامات پاداش اعمالشان قرار نگیرد، زیرا هدف آن‌ها از زهد و پارسایی، رسیدن به قرب الهی و فنای در حق است و راضی شدن به کمتر از آن موجب خسران است، بنابراین خود عارف از خدا می‌خواهد که آن کرامت را از مردم بپوشاند و از شیوعش جلوگیری می‌کند.

به نظر اهل شهود و معرفت با اظهار کرامت توسط آن‌ها ممکن است فرد در نفس، بزرگی احساس کند و عرفا آن را نوعی استدراج در تنزل خود می‌دانند.

پس اگر این کرامات، هدف شد، موجبات غفلت از خدا و مشغولیت حواشی را به دنبال دارد و بزرگان از آن به حجاب نورانی یاد می‌کنند. به نظر می‌رسد عنایت به این روش و سیره، لازمه‌ی حفظ ارزش‌های معنوی و عرفان اسلامی است.

معیار تشخیص شهود و کشف درست از نادرست چیست؟

در این جا مقدمه‌ای لازم است. باید گفت: که علم حضوری بر قسم است: ۱. علم حضوری همیشگی و همگانی ۲. علم حضوری موردی.

قسم اول مانند علم انسان به نفس و حالات درونی است که ابهام ندارد و خطاناپذیر است.

قسم دوم از قبیل شهود و مکاشفات است که همان‌طور که گفته شد احتمال خطا در آن راه دارد، بنابراین دو راه مهم برای تشخیص تجربه‌های عرفانی و برزخی و مکاشفات در معارف دینی ارائه شده است (معلمی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۸).

اولین شاخص، عقل قطعی و بدیهی است که شهود و کشف نباید با آن منافات داشته باشد. **دومین معیار این است که شهود با کشف برتر که از آن معصوم (و وحی) است سنجیده شود** (خسروپناه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۳۵).

حکیم لاهیجی در گوهر المراد می‌فرماید: صوفی (عارف و تجربه‌گر شهود) نخست باید حکیم باشد یا متکلم (خواه بر وفق علما کسب و دانش صورت گرفته باشد یا نه) تا در حالات معنوی او شیطان دخالت نکند، زیرا طریقت تصوّف بدون لوازم آن شیادی و عوام‌فریبی است و یا زمینه و بستر شیادی را فراهم می‌کند.

پس معلوم می‌شود که دسترسی به علم حضوری ناب و خطاناپذیر بسیار سخت و کمیاب است؛ بنابراین حجّت نیست و به فرض صحّت، فقط برای صاحب کشف حجّت است؛ اما تجربه‌های عرفانی و کشف‌های گزارش شده برای افراد دیگر به تصریح علما در گرو یقین به صحّت آن تجربه‌ی عرفانی است که لازمه‌اش، شناخت معیارهای سنجش با آن شاخصه‌هاست که معمولاً عوام جامعه آگاهی کامل به این سنجه‌ها ندارند، لذا برایشان این تجربیات حجّت نیست (شاکرین، ۱۳۸۷، ص ۹۳). پس باید جهت آگاهی دادن به مردم از غیب و برزخ و عالم مثال و... به منظومه‌ی کلام وحی

و اهل بیت علیهم السلام مراجعه کرد؛ زیرا با اندکی تأمل در باب تراث معنوی و عرفان اسلامی به وضوح درمی یابیم که خزانه‌ی علم ائمه علیهم السلام توان ایجاد تحول معنوی در فضای فرهنگی جامعه را دارد و می تواند عمیق ترین تغییرات معنوی مثبت را در گستره‌ی عالم بیافریند اما لازمه اش، بهره‌مندی حداکثری از آن و تبدیل محتوا به راهکارهای در دسترس مردم می باشد که رسالت خطیر رهبران و مسئولان جامعه است که هندسه‌ی حیات طیه را با اقتضائات جهان مدرن و پیشرفت های علمی کلید زده و جهت گیری به سمت حیات جاودانه را برای مشتاقان طریق معرفت ایجاد کنند.

منابع

۱. اعتمادی نیا، مجتبی؛ بررسی انتقادی زالکی از تجربه های نزدیک به مرگ، مجله هفت آسمان، ش ۵۵، ۱۳۹۱.
۲. جوادی آملی؛ تبیین اثبات خدا، قم، اسرار، ۱۳۷۵.
۳. خسروپناه، عبد الحسین؛ فلسفه های مضاف، ج ۱، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.
۴. راغب اصفهانی؛ مفردات قرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۵. شاکرین، حمیدرضا؛ روش آزمون صدق کشف و شهود عرفانی، مجله کتاب نقد، ش ۴۷-۴۸، ۱۳۸۷.
۶. فرهمند، مهناز؛ جهانی شدن و معنویت، مجله مطالعات معنوی، ش ۴-۵، ۱۳۹۱.
۷. قرشی، علی اکبر؛ قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۴۱۲ق.
۸. مصباح یزدی؛ آموزش فلسفه، ج ۱، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۳.
۹. معلمی، حسن؛ معیار سنجش و تمیز مشهور رحمانی از شهود شیطانی، مجله مطالعات معنوی، ش ۴-۵، ۱۳۹۱.